

آیا رژیم، حقوق ملی ایران را در دریای خزر بخشیده است؟ خزر در ازای اتم؟

انقلاب اسلامی: در قسمت اول این فصل، بیانیه کنفرانس سران کشورهای ساحلی دریای خزر و ارزیابی آن و در قسمت دوم، خبرها و نظرها در باره بحران اتمی را می آوریم:

بیانیه تهران چه می گوید؟ آیا رژیم در ازای اتم، دریای حقوق ملی ایران در دریای خزر را بخشیده است؟

* بنا بر بیانیه کنفرانس تهران، رژیم اصل تقسیم دریای خزر و منابع آن را بر طبق مرزهای دریائی هر کشور پذیرفته است و در ازای آن، تعارفات دریافت کرده است:

چهار بند اول بیانیه، راجعند به موافقت بر سر همکاریها. از بند ۵ تا بند ۱۳ مربوط می شود به حقوق هر یک از کشورهای ساحلی در دریای خزر و بندهای ۱۳ و ۱۵ و ۱۵ مربوط می شود به منع استفاده از قوای مسلح و اجازه ندادن به کشوری برای استفاده از کشورهای ساحلی برای حمله به یکی از آنها و بندهای ۱۶ تا ۱۸ مربوط به همکاری صلح آمیز برای ایجاد جهان چند قطبی و حمایت از سازمان ملل است. بند ۱۹ مربوط به اتم و استفاده صلح آمیز از آن و از بند ۲۰ تا ۲۵ باز مربوط می شود به همکاریهای دو جانبه و چند جانبه و حل و فصل دعاوی بر طبق منشور سازمان ملل و حق هر کشور در انتخاب راه رشد بر وفق حقوق بشر و اجلاس آتی:

۵- طرفها اظهار می دارند که فقط کشورهای ساحلی، دارای حقوق حاکمه در رابطه با دریای خزر و منابع آن می باشند.

۶- طرفها معتقدند که رژیم حقوقی جامع دریای خزر از طریق کنوانسیون مربوط به رژیم حقوقی دریای خزر به عنوان سند پایه تعیین خواهد شد که تصویب آن فقط براساس اتفاق آرای کشورهای ساحلی میسر است.

۷- طرفها توافق دارند تا تعیین رژیم حقوقی جدید دریای خزر، در پهنه آن باید رژیم های توافق شده کشتیرانی، ماهیگیری و تردد کشتی ها صرفا تحت پرچم کشورهای ساحلی خزر براساس تحقق حقوق حاکمه آنها اعمال گردد.

۸- طرفها اعلام می دارند که تدوین رژیم حقوقی جامع دریای خزر و به همین منظور انعقاد هرچه سریعتر کنوانسیون رژیم حقوقی این دریا، مهم ترین وظیفه می باشد. این کنوانسیون به عنوان سند پایه رژیم حقوقی دریای خزر باید مسایل اعمال صلاحیت کشورهای ساحلی خزر را براساس احترام به حقوق حاکمه آنها در دریای خزر تعیین نماید و در برگیرنده اصول و موازین مربوط به حفاظت از محیط زیست و کاربرد معقولانه منابع طبیعی، از جمله بهره برداری از منابع زنده دریای خزر و منابع معدنی بستر و زیر بستر آن، کشتیرانی و همچنین سایر مسایل مربوط به فعالیت در دریای خزر باشد.

۹- طرفها اعلام می دارند که توافق نهایی در مسایل مربوط به تحدید حدود بستر به منظور استفاده از منابع زیر بستر توسط همه کشورهای ساحلی دریای خزر با توجه به حقوق حاکمه آنها و احترام به حقوق و منافع قانونی یکدیگر اجرا خواهد شد.

۱۰- طرفها مقرر نمودند که روند توافق به منظور تعیین مناطق با عرض مورد توافق و پهنه مشترک آبی دریای خزر و همچنین رژیم های حقوقی مطابق با آنها را ادامه دهند.

۱۱- طرفها با درک مسوولیت خویش در برابر نسل های امروز و فردا در قبال حفاظت از دریای خزر و تمامیت سیستم زیست محیطی آن، اهمیت گسترش همکاری در حل مسایل زیست محیطی، از جمله هماهنگی فعالیت های ملی حفاظت از محیط زیست و مساعی مشترک با سازمان های بین المللی حفاظت از محیط زیست، به منظور ایجاد نظام منطقه ای، حفظ و نگهداری تنوع بیولوژیکی، استفاده معقولانه و تکثیر و پرورش ذخایر زنده را مورد تاکید قرار می دهند.

طرفها اذعان می دارند که وضعیت زیست محیطی دریای خزر و ذخایر ماهیان خاوباری این دریا مستلزم کاربرد مساعی مشترک سریع جهت جلوگیری از پیامدهای نامطلوب زیست محیطی می باشد. در این رابطه، طرفها ایجاد مانی حقوقی- قراردادی اولویت دار لازم جهت همکاری های منطقه ای حفاظت از محیط زیست را براساس کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر ادامه خواهند داد.

طرفها ضمن ابراز خشنودی از لازم الاجرا شدن کنوانسیون حفاظت محیط زیست دریای خزر که در نوامبر ۲۰۰۳ در تهران منعقد گردید؛ بر لزوم تدوین و تصویب هر چه سریعتر پروتکل های الحاقی به آن تاکید کردند.

طرفها همچنین لزوم نهایی شدن ترتیبات نهادی کنوانسیون، بویژه تعیین محل دبیرخانه دائمی کنوانسیون را در اسرع وقت خاطر نشان می سازند.

۱۲- طرفها اصل مسوولیت کشورهای ساحلی دریای خزر در قبال خسارات وارده به محیط زیست خزر و به یکدیگر در نتیجه استفاده از دریای خزر و بهره برداری از منابع آن را تایید می نمایند.

۱۳- طرفها اعلام می دارند که دریای خزر باید فقط جهت اهداف صلح آمیز مورد استفاده قرار گیرد و همه مسایل مربوط به دریای خزر بوسیله کشورهای ساحلی از طرق مسالمت آمیز حل و فصل خواهد شد.

طرفها برای ایجاد و تحکیم اعتماد متقابل، امنیت منطقه ای، ثبات و همچنین امتناع از بکارگیری نیروی نظامی در روابط متقابل تلاش خواهند کرد.

۱۴- طرفها تایید می کنند که نیروهای مسلح آنان به منظور حمله به هر یک از طرفها مورد استفاده قرار نخواهد گرفت.

۱۵- طرفها تاکید می کنند که در هیچ صورتی به کشورهای دیگر اجازه نخواهند داد تا از قلمرو کشورشان برای تهاجم و سایر عملیات نظامی علیه هر یک از طرفها استفاده شود.

۱۹- طرفها معاهده «منع اشاعه و تکثیر سلاح های هسته ای» را به عنوان یکی از مهم ترین بنیان های امنیت و ثبات بین المللی دانسته و خواستار تعمیم آتی این معاهده هستند. طرفها همچنین حق مسلم کلیه کشورهای عضو معاهده «منع اشاعه و تکثیر سلاح های هسته ای» جهت توسعه تحقیقات، تولید و استفاده از انرژی هسته ای در مقاصد صلح آمیز بدون تبعیض و در چارچوب مفاد این معاهده و همچنین سازوکارهای آژانس بین المللی انرژی اتمی را مورد تایید قرار می دهند.

انقلاب اسلامی: بنا بر توافق میان ایران و شوروی سابق - با توجه به این که روسیه تزاری متجاوز بود و طی دو جنگ سرزمینهای را از ایران جدا کرد و دریای خزر را هم صاحب شد - در دو تاریخ ۱۹۱۹ و ۱۹۴۰، دریای خزر دریای بسته و دو طرف بر رو و منابع دریا و کف دریا و زیر کف دریا، مالکیت مشاع داشته اند. اما

فرض اول اینست که روسیه شوروی صاحب سهم کشورهای آذربایجان و قزاقستان و ترکمنستان نیز می بوده است و حالا که آنها جدا شده اند، حقوق ملی پیدا کرده اند و از دو طرف قرارداد، یعنی روسیه و ایران می خواهند این حقوق را رعایت کنند. بر فرض قبول این فرض،

۱- اصل بر مشاع بودن دریا و منابع آنست. در آغاز، روسیه کنونی همین اصل را پذیرفته بود. اما چون دید حقوق کشورهای کوچک را بهتر می تواند ببلعد، اصل مشاع بودن مالکیت بر دریا را - که سه کشور جدید حاشیه دریای مازندران، دریای آلماتی، در ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱، که توسط همه کشورهای تازه

استقلال یافته و مشترک المنافع روسیه امضاء شد، احترام به کلیه تعهدات بین المللی شوروی سابق را تضمین کردند- نقض کرد و در ۱۹۹۸، با دو کشور آذربایجان و قزاقستان، قرار داد بر اساس تعیین حدود دریائی، بست.

۲- رژیم ملاتاریا بنا بر اصل مشاع بودن مالکیت گذاشته بود. اما بموجب بندهای ۹ و ۱۰، بنا بر «تحدید حدود» و «تعیین مناطق» گذاشته است. بدین ترتیب اصل مشاع بودن مالکیت بر دریای خزر را رها کرده و با بخشیدن حقوق ملی ایران در این دریا، چند تعارف دریافت کرده است:

۳- تعارف اول اینست: بنا بر بندهای ۱۳ و ۱۴ و ۱۵، کشورهای ساحلی دریای خزر به یکدیگر حمله نظامی نمی کنند و تعارف دوم اینست که پایگاه حمله کنسوری به یکی از آنها نمی شوند. با توجه به این امر که اینک ایران است که به جنگ تهدید می شود، کشورهای ساحلی در ازای بردن حق ایران، گفته اند پایگاه حمله به ایران نمی شوند. پنداری امریکائی که از سه سو ایران را در محاصره قوای نظامی خود دارد، نیازمند استفاده از کشورهای آسیای میانه برای حمله به ایران است. طرفه این که امریکا می گوید: در صورتی که ایران از اجرای برنامه اتمی خود دست بشوید، از استقرار سامانه موشکی خود در لهستان و چک چشم خواهد پوشید.

۴- غیر از این دو تعارف، قرارداد فروش اسلحه از سوی روسیه به ایران و نیز قول پوتین در باره تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر مابه ازای دیگری است که روسها در ازای چشم پوشی رژیم از حقوق ملی ایران داده است. اما از این بابت، سود عظیم به روسیه می رسد و مسابقه تسلیحاتی، همان روشی که شوروی سابق را از پا درآورد، سهم ایران می شود.

* هر گاه بنا بر تقسیم شود، سهم ایران از دریای خزر چه اندازه می شود؟:

◀ بنا بر این واقعیت که شوروی سابق یک قدرت جهانی بوده است و نسبت به ایران سالهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ بسیار قوی تر بشمار می رفته است، قراردادهائی را که امضاء کرده است با توجه به حدود ساحلی کشورهای جدید الاستقلال و لحاظ کردن این حدود بوده است. بنا بر این، مالکیت مشاع دو طرف بر دریای خزر بدین معنی است که نیمی از منابع دریا و کف دریا و زیر دریا متعلق به ایران است.

◀ اما متکی، «وزیر» امور خارجه ایران وکیل مدافع روسیه و قزاقستان و آذربایجان شده و در ۲۷ مهرماه گفته است:

«تحدید حدود بین کشورهای حاشیه دریای خزر هم اکنون جاری است که با توجه به این مساله بیشترین سهم به قزاقستان به دلیل طولانی بودن ساحل آن می رسد که حدود ۲۴ درصد است. روسیه نیز حدود ۱۷ درصد و آذربایجان حدود ۱۴ درصد سهم می برند.

مذاکرات ما با آذربایجان و ترکمنستان نیز ادامه داد که امیدوارم بتوانیم در آینده به توافقاتی برسیم.

هم اکنون توافق در مورد پهنه آبی هر کشور بر روی ۱۵ مایل استوار است که در صورت تعیین نهایی حریم ماهیگیری، رژیم حقوقی این دریا حالت نهایی پیدا می کند.

قبل از انقلاب در قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ بحث تحدید حوزه، زیربستر و بستر دریای خزر اساسا ذکر نشده بود که بخواهیم حق ۵۰ درصدی را مطرح کنیم.» (خط کشی زیر جمله ها از ما است)

۱- بدین قرار او می پذیرد که بنا بر تعیین حدود است و اصل مشاع بودن منابع دریای خزر را رژیم رها کرده است. ۲- می گوید در قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ تحدید حوزه زیر بستر و بستر دریای خزر ذکر نشده است. آیا او نمی داند وقتی حد معین نمی شود یعنی بنا بر مالکیت مشاعی می شود؟ چرا می داند اما چون عضو حکومتی است که خیانت کرده است، برای جرم انجام داده، توجیه می تراشد.

۴- حکومت خانتی تقسیم منابع به ۵۰ درصد برابر پیشنهاد کرده بود. بنا بر این پیشنهاد، بروفق مشاع بودن منابع و پیدایش دولتهای جدید، سهم هر یک از ۵ کشور، ۲۰ درصد می شود که هنوز ۳۰ درصد از سهم ایران می کاهد. اما بنا بر محاسبه متکی، سه کشور قزاقستان و آذربایجان و روسیه صاحب ۵۵ درصد مابع می شوند. با توجه به این امر که منابع نفت (۶۶۰ میلیارد بشکه) و گاز در این قسمت قرار می گیرد، برای ایران و ترکمنستان هیچ نمی ماند.

◀ هر میداس باوند بر اینست که قراردادهای دو جانبه میان روسیه با قزاقستان و آذربایجان و سپس سه جانبه و قراردادهای فی مابین قزاقستان و آذربایجان، ایران در برابر عمل انجام شده قرار گرفته و

«بر اساس تقسیماتی که میان آنها صورت گرفته است سهم ایران بین ۱۲ تا ۱۳ درصد خواهد شد. متعاقب آن ایران پیشنهاد تقسیم مساوی دریا برای هر یک از کشورهای ساحلی - ۲۰ درصد- را داد که مورد استقبال قرار نگرفت. ایران استدلال کرد با توجه به عهدنامه های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ ایران دارای حقوق مساوی و مشترک در پهنه دریای خزر بوده است و اینک در نتیجه قراردادهای دو جانبه دیگر کشورهای ساحلی حقوق حقه ایران دچار تضییع فاحش شده است لذا ایران اجازه نخواهد داد در ۲۰ درصد آب های مجاور دیگران فعالیت انجام دهند.

ایران در حوزه البرز یک شرکت انگلیسی را وادار کرد که منطقه را ترک کند. از سوی دیگر ایران مذاکراتی را با جمهوری های آذربایجان و ترکمنستان برای تحقق ۲۰ درصد از سهم دریا را در پیش گرفته است. بنا بر این در حوزه بستر فکر نمی کنم روس ها آمادگی داشته باشند در مورد توافقات خود با سایر جمهوری ها بازنگری کنند.

در مورد شیلات هم روسیه سیستم سهمیه بندی را طرح کرده است. این کشور آب های مجاور خود را مستثنی کرده ولی سهمیه بندی در بقیه آب ها را خواستار شده است. این تداعی گر یک مثال انگلیسی است که می گوید کیک من مال من و کیک شما مال همه! در مورد کشتیرانی، روسیه بشدت معتقد به آزادی کشتیرانی و پرواز است.»

◀ سید محمد عاملی این اطلاعات را در باره دریای خزر بدست می دهد:

دریاچه خزر با وسعت ۳۹۴ و ۲۰۰ هزار کیلومتر مربع، بزرگ ترین دریاچه زمین است، افزون بر این زیست محیطی شبیه به دریاهای آزاد دارد، از اینرو به دریای خزر یا کاسپین معروف است.

این دریاچه با طول ۱۲۰۵ تا ۱۲۸۰ کیلومتر و عرض ۱۵۴ تا ۲۰۲ کیلومتر و نیز محیط ۷۰۰۰ کیلومتر، ۵۰ جزیره کوچک را در خود جای داده است. پیرامون این دریاچه پنج کشور ایران، روسیه، قزاقستان، ترکمنستان و آذربایجان قرار گرفته اند که در این میان قزاقستان با ۱۹۰۰ کیلومتر و ایران با ۶۵۷ کیلومتر به ترتیب بیشترین و کمترین ساحل را به خود اختصاص داده اند.

در زمان اتحاد جماهیر شوروی با اینکه ساحل شوروی از این دریاچه به مراتب بیشتر از ساحل ایران بود، اما سهم هر دو کشور از آن برابر بود. پس از فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری ها، ایران پیشنهاد کرد که به پنج کشور ساحلی این دریاچه سهم برابری معادل ۲۰ درصد از منابع اختصاص یابد که برخی کشورها با استناد به تفاوت خط ساحلی در هر کشور این پیشنهاد را نپذیرفتند. افزون بر بحث طول ساحل، محدب و مقعر بودن سواحل نیز از جمله مسائل مورد اختلاف میان این پنج کشور بوده است.

دخایر هیدروکربوری موجود در خزر نیز عاملی بوده که باعث دامن زدن به اختلافات این پنج کشور بوده است. در زمان رژیم سابق ایران و اتحاد جماهیر شوروی توجه چندانی

به منابع نفتی و گازی خزر نمی شد؛ اما پس از فروپاشی شوروی این منبع مورد توجه کشورهای ساحلی خزر قرار گرفته است. آنگونه که برآورد می شود در این دریا ۱۷ تا ۴۴ میلیارد بشکه نفت خام و حدود ۴۲۵۷ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی قابل استحصال است. این میزان البته در مقایسه با ذخایر عظیم نفت و گاز ایران و روسیه چندان زیاد به نظر نمی رسد، اما برای دیگر کشورهای حاشیه خزر قابل توجه است و آمریکا تاکنون از این اختلاف منابع بهره جسته تا کشورهای حاشیه خزر را به محدود کردن سهم ایران و روسیه از این منابع ترغیب کند.

مساله دیگر در مورد نفت خزر هزینه استخراج آن است. البته با توجه به قیمت کنونی نفت خام، استخراج نفت خزر اقتصادی است، اما در مورد ایران این هزینه بیشتر است چون عمق دریای خزر در جنوب آن به مراتب بیشتر از شمال است و در نواحی نزدیک ایران تا ۹۵۰ متر هم می رسد، از بستر نیز باید تا عمق هزار متر حفاری صورت گیرد تا به نفت رسید. اما ایران می تواند منافع زیادی را از طریق ترانزیت حاملین انرژی موجود در خزر، چه از خاک خود و چه از بستر خزر عاید خود کند.

◀ و سیامک فاسمی نیز این اطلاعات را بدست می دهد:

این روزها روسیه طرح شرم آوری را برای حاکمیت دریای خزر معرفی کرده است که در این طرح حاکمیت بر دریا به دو بخش روی آب و زیر آب تفکیک می شود؛ در بخش روی آبی، آبهای دریای خزر برای تمام همسایگان مشاع بوده و به قولی زیر دریایی های اتمی روسیه تا نزدیکی سواحل ایران اجازه ی تردد دارند و در بخش زیر آبی، در طرح روسها آمده است که دو سر ساحل هر کشور را به هم وصل می کنند و منطقه زیر دریا حد فاصل این خط فرضی و ساحل هر کشور سهم آن کشور از زیر دریا است. و بدین ترتیب سهم ایران از دریای خزر تنها ۱۱ درصد خواهد بود. ۱۱ درصدی که تپه از هر گونه ذخایر پر ارزش نفت و گاز این دریا می باشد و منابع مهم انرژی این دریا در خارج از سهم ایران وجود دارد.